

نوع مقاله: پژوهشی

نبرد حضرت داود علیه السلام با جالوت از دیدگاه قرآن و مسیحیان عصر نزول

puyazade@ut.ac.ir

کرامت اعظم پویازاده / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران
شیوا تجار / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران
دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

چکیده

داستان نبرد حضرت داود علیه السلام در سپاه طالوت با جالوت در قرآن، با اندکی تفاوت در عهد قدیم نیز آمده است. مسیحیان سریانی عصر نزول نیز داستان را با جزئیات بیشتر روایت کرده‌اند و تفسیری آخرالزمانی از آن دارند. چنین تفسیری در گفت‌وگو با جامعه مسیحی عصر نزول بازتاب داشته و در جهت منافع حاکمان زمان استفاده می‌شده است. مقایسه داستان قرآن با نسخه مسیحی آن، حاکی از اختلاف در موضعی است که در نگاه مسیحیان القائنات آخرالزمانی داشته است. قرآن، داستان نبرد را به گونه‌ای بیان کرده است تا ضمن هدایت مسلمانان، اصلاح‌کننده دیدگاه‌های شکل گرفته در آن دوره نسبت به شخصیت داود علیه السلام و موضوع نبرد نیز باشد. در قرآن، نبوت حضرت داود علیه السلام مستقل از نبوت حضرت عیسی علیه السلام است و پادشاهی او به جای اینکه امری ازلی باشد، پس از آزمایش و مجاهده او در راه خدا موضوعیت یافته است. در قرآن، نبرد داود علیه السلام به اصل فطری دفع فساد اشاره دارد، نه ظهور مسیح. همچنین در داستان نبرد بر قدرت و نشانه‌های خدا تأکید شده است، نه قدرت و راز مسیح.

کلیدواژه‌ها: آخرالزمانی، بیزانس، جالوت، داود علیه السلام، سریانی، طالوت، شاول.

توجه به گفتمان جامعه عربستان عصر نزول از جمله یهودیان و مسیحیان آن سرزمین، برای فهم بهتر آیات قرآن از جمله آیات مربوط به داستان زندگی پیامبران، لازم و ضروری است. چنین گفتمانی غالباً برگرفته از نوشته‌های عهدینی و تفسیر آنها بوده و صرف‌نظر از اعتبار یا عدم اعتبار آن، در جامعه حضور داشته است. در پژوهش‌های تطبیقی قرآنی و عهدینی در حوزه داستان زندگی انبیا، اغلب به منابعی همچون عهدین و تلمود توجه شده است؛ این در حالی است که بعد دیگری از گفتمان جامعه عصر نزول در خصوص داستان انبیا که خاص مسیحیان آن دوره بوده، نادیده گرفته شده است. چنین گفتمانی برگرفته از روایتی تفسیرگونه از داستان انبیای عهد قدیم است که توسط آباب کلیسای سریانی با اهداف مسیح‌شناختی نقل شده و حجیتی همچون خود کتاب مقدس داشته است (بجان، ۱۹۰۶، ص ۳۰؛ کولامپارامپیل، ۲۰۱۰، ص ۲-۹۱). داستان نبرد حضرت داود^{علیه السلام} با جالوت در سپاه طالوت (بقره: ۲۴۶-۲۵۲) نیز از جمله این موارد است که موضوع پژوهش‌های تطبیقی چندی قرار گرفته است، بدون اینکه نگاه مسیحیان عصر نزول به آن مورد توجه قرار گرفته باشد (کدکنی و فاخر میبدی، ۱۳۹۷؛ نعمتی پیرعلی، ۱۳۹۷). مجاورت مسیحیان سریانی‌زبان با مردم عربستان و حضور آنان در میان اعراب، بر اهمیت و ضرورت بررسی نسخه مسیحی سریانی داستان برای مقایسه با نمونه قرآنی آن می‌افزاید. جواد علی به نمونه‌هایی از این ارتباطات اشاره کرده است (علی، ۱۹۷۰، ج ۶ ص ۹۲-۵۸۷). همچنین در برخی منابع اسلامی در شرح حال زبیدن ثابت به اینکه او سریانی را به سفارش پیامبر^{صلی الله علیه و آله} آموخته بوده، اشاره شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۴-۲۷۳) که نشان از اهمیت موضوع دارد. در نگاه مسیحیان عصر نزول، به‌خصوص مسیحیان سریانی، داود^{علیه السلام} نمادی از مسیح است و داستان نبرد او با جلیات (جالوت) تنها با اشاره به رسالت مسیح و منجیگری او معنا می‌یابد. مقایسه نمونه قرآنی داستان با روایت مسیحی آن، ما را در پاسخ به دو پرسش یاری خواهد کرد: آیا قرآن به هنگام اشاره به داستان نبرد حضرت داود^{علیه السلام} و جالوت، به چنین نگاهی از مسیحیان واکنش نشان داده است؟ و اگر پاسخ مثبت است، این واکنش و مواجهه به چه صورت بوده است؟ بدیهی است که پاسخ به این سؤالات ما را در فهم بهتر آیات مربوط به نبرد حضرت داود^{علیه السلام} و جالوت یاری خواهد کرد.

برای انجام این پژوهش، ابتدا ابعادی از شخصیت حضرت داود^{علیه السلام} که مرتبط با موضوع این نوشتار است، از دیدگاه عهدین و سنت یهودی و مسیحی بررسی شده است. در مرحله بعد، روایت مسیحی داستان نبرد مورد توجه قرار می‌گیرد. چنین روایتی حاصل جست‌وجو در نوشته‌های آباب کلیسا از دوران متقدم تا عصر نزول قرآن است. هرچند منبع آباب کلیسا برای روایت داستان و تفسیر آن، باب هفدهم کتاب اول سموئل بوده، اما در این نوشتار برای رعایت خلاصه‌گویی، از آوردن آن خودداری شده است. گام بعدی در این پژوهش، بررسی گفتمان جامعه مسیحی عصر نزول قرآن به مرکزیت بی‌زانس (روم) در مورد داستان نبرد است. چنین گفتمانی را در برخی

نوشته‌های تاریخی آبابی کلیسای آن دوره می‌توان دریافت. در نهایت، داستان نبرد از دیدگاه قرآن بیان می‌شود و با مقایسه آن با روایت مسیحی داستان و گفتمان موجود در جامعه عصر نزول، تحلیل می‌گردد.

۱. حضرت داود^{علیه السلام} در یهودیت و مسیحیت

اهمیت حضرت داود^{علیه السلام} از نظر یهودیان و مسیحیان، به شخصیت آخرالزمانی او برمی‌گردد که ناشی از برخی اشارات کتب عهدینی و تفسیر آنهاست.

۱-۱. وعده خدا به داود^{علیه السلام} در عهد قدیم

در عهد قدیم، خدا به داود^{علیه السلام} وعده ابدی بودن سلطنت در ذریه او را داده است (دوم سموئیل ۷: ۱۶؛ اول تواریخ: ۱۷). اشاره به این عهد، پس از خشنودی خدا از داود^{علیه السلام} به دلیل بازگرداندن تابوت عهد به اورشلیم و تخصیص مکانی برای آن ذکر شده است. این موضوع ریشه و منشأ عقیده به ماشیح یا منجی موعود یهود از ذریه داود^{علیه السلام} شد (گینزبرگ، ۲۰۰۷، ص ۱۱۰؛ سیتز، ۱۹۸۷، ص ۲۲۲). در فرازی از مزامیر نیز به این عهد اشاره شده است (مزامیر ۸۹: ۳-۴).

۱-۲. منجی داودی (داود جدید) در یهودیت

وعده خدا به داود^{علیه السلام} در عهد قدیم، به همراه فرازهایی که اشاره به سلطنت او بر دیگر اقوام عالم می‌کرد (دوم سموئیل ۲۲: ۴۴-۵۱)، سبب شکل‌گیری اولین فاز از اندیشه انتظار ماشیح موعود در یهودیت شد. فاز دوم این اندیشه با پایان حکومت سلسله داود^{علیه السلام} پس از مرگ سلیمان^{علیه السلام}، فرزند او، شکل گرفت که به حکومت دوباره فردی از خاندان داود^{علیه السلام} بر اسرائیل و یهودا و همچنین بر سرزمین‌های اطراف اشاره داشت (ر.ک: عاموس ۹: ۱۱-۱۲؛ اشعیا ۱۱: ۱۰؛ هوشع ۳: ۵؛ حزقیال ۳۷: ۱۵-۲۸) (گینزبرگ، ۲۰۰۷، ص ۱۱۰). در فاز سوم این اندیشه، ویژگی‌های پادشاه آینده از ذریه داود^{علیه السلام} مورد توجه قرار گرفته بود (اشعیا ۹: ۲-۷) (همان، ص ۱۱۰-۱۱۱). بحث مربوط به منجی، در یهودیت به صورت‌های دیگری نیز جلوه کرد. در برخی تفاسیر یهودیان و کتب سوداپیگرافایی، داود^{علیه السلام} کسی معرفی شد که روحش وارد بهشت شده است و می‌تواند تولد دوباره بیابد و به جهان مادی در قالب فردی دیگر با همان ویژگی‌ها حضور یابد (مبورا، ۲۰۰۷، ص ۱۳۶). به این ترتیب، اندیشه منجیگری داود^{علیه السلام} در یهودیت به صورتی شکل گرفت که علاوه بر انتظار ماشیح موعود از نسل داود^{علیه السلام}، انتظار داودی دوباره متولدشده یا داود جدید را نیز شامل می‌شد.

۱-۳. حضرت داود^{علیه السلام} در عهد جدید

در عهد جدید، عیسی^{علیه السلام} همان ذریه موعود از خاندان داود^{علیه السلام} و تحقق وعده خدا به او معرفی شده است (ر.ک: متی: ۹: ۲۷؛ ۱۲: ۲۳) (محمدیان، ۱۳۸۰، ص ۵۳۰). این موضوع چنان اهمیت داشته است که نویسندگان انجیل متی و

لوقا به نسب‌نامه مفصلی از او اشاره کرده‌اند (متی: ۱:۱-۱۷؛ لوقا: ۳: ۲۳-۳۸) که البته از نظر برخی ساختگی به‌نظر می‌رسد (فلاسر، ۲۰۰۷، ص ۴۵۴). در بخش‌هایی از عهد جدید، آنجا که مردم تقاضای کمک از عیسی علیه السلام دارند، او را با لفظ «پسر داود» خطاب می‌کنند (متی ۹: ۲۷؛ متی ۱۲: ۲۳) که نشان از انتظار مردم برای ظهور یک ناجی از نسل داود علیه السلام دارد. بنابراین داود علیه السلام در مسیحیت به‌عنوان ریشه و نیای مسیح علیه السلام اهمیت می‌یابد. اهمیت دیگر داود علیه السلام در کتب عهد جدید آنجاست که علاوه بر پیوند نسبی، پیوند نمادینی بین او و مسیح برقرار می‌شود. اشارات کتاب لوقا و کتاب اعمال رسولان به زوایایی از زندگی داود علیه السلام (اعمال: ۷: ۴۶)، قرار گرفتن مسیح علیه السلام در جایگاه داود علیه السلام (لوقا: ۶: ۳-۵) و اشارات حواریون به فرازهایی از مزامیر و تناظر آن با وقایع زندگی مسیح علیه السلام (مثلاً اعمال رسولان: ۱: ۲۰) از آن جمله‌اند (میورا، ۲۰۰۷، ص ۴).

۱-۴. حضرت داود علیه السلام در نگاه آباء مسیحی سریانی

از نظر آباء مسیحی سریانی، تمام انبیای عهد قدیم و وقایع زندگی آنها تصویری از مسیح و وقایع ذکرشده در عهد جدید هستند. این موضوع در الهیات مسیحی تحت عنوان تیپولوژی (Typology) و یا نمونه‌شناسی مطرح شده است (محمدیان، ۱۳۸۰، ص ۵۱۲). این موضوع در مورد داود علیه السلام نیز صادق است. فرهاد یا/فرهات (م ۳۴۵م)، در ذکر رنج‌ها و وقایع زندگی پیامبران و از جمله داود علیه السلام، آنان را با رنج‌ها و وقایع زندگی عیسی علیه السلام مقایسه کرده است (شاف، ۱۹۹۵، ص ۳۹۷-۳۹۸). /فرایم (Ephrem) سوری (م ۳۷۳م) در عصای موسی علیه السلام و تاج پادشاهی داود علیه السلام، عیسی علیه السلام را می‌بیند (همان، ص ۲۷۲). یعقوب سروعی (Jacob of Serugh) (۵۲۱م) از آباء نزدیک به عصر نزول قرآن نیز چنین تفسیری از وقایع زندگی انبیا داشته و نقش آنها را اعلان ظهور مسیح می‌دانسته است (کولامپارامپیل، ۲۰۱۰، ص ۷۳، ۷۸-۷۹). برای نمونه، مسح داود علیه السلام توسط سموئیل پیامبر علیه السلام با برگزیدگی عیسی علیه السلام و غسل تعمید او (شاف، ۱۹۹۵، ص ۲۷۲)، و شکست جلیات از داود علیه السلام با شکست شیطان از مسیح علیه السلام در بیابان (متی: ۴: ۹-۱۱؛ لوقا ۴: ۱-۱۳) مقایسه شده است (بجان، ۱۹۰۶، ص ۳۱). افزون بر این، بسیاری از سخنان داود علیه السلام در مزامیر (مثلاً مزمور ۱۶: ۱۸-۲۰) به مسیح علیه السلام نسبت داده شده است (شاف، ۱۹۹۵، ص ۳۹۰-۳۹۱).

۱-۵. حضرت داود علیه السلام و تابوت عهد

تابوت عهد که دستور ساخت آن از جانب خدا به حضرت موسی علیه السلام داده شده بود، نمادی از حضور خدا در میان بنی‌اسرائیل بود (خروج: ۲۵: ۱۰-۲۲؛ خروج: ۳۷: ۱-۹). معمولاً حضور تابوت در جنگ‌ها موجب دلگرمی بنی‌اسرائیل بود (اول سموئیل: ۴: ۳). تابوت عهد سال‌ها پیش از سلطنت *ساول*، پادشاه پیش از داود علیه السلام، به تسخیر فلسطینیان درآمده و در خانه داجون، خدای آنها، قرار داده شد (اول سموئیل: ۵). اما فلسطینیان با مشاهده سرنگون شدن بت داجون و شکستن آن، تصمیم به بازپس فرستادن تابوت عهد گرفتند و آن را همراه با هدایایی به اربابه‌ای با دو گاو بستند و رها کردند، تا اینکه اربابه خود به‌سمت اسرائیل رفت و در آنجا ساکن شد و این موضوع سبب خوشحالی

بنی اسرائیل گشت (اول سموئیل: ۷). زمان این واقعه در عهد قدیم به دوران داوری سموئیل نبی^{علیه السلام} و بیش از بیست سال پیش از پادشاهی شاول برمی گردد. در زمان پادشاهی شاول، اغلب به تابوت عهد رجوع نمی شد (اول تواریخ: ۱۳: ۳) و تنها به یک مورد تمسک به آن اشاره شده است (اول سموئیل: ۱۴: ۱۸)؛ اما داود^{علیه السلام} کسی بود که پس از پادشاهی خود، تصمیم گرفت تا طی مراسمی خاص، آن را نزد خود آورد و در خیمه‌ای بالای کوه صهیون قرار دهد (دوم سموئیل: ۶؛ اول تواریخ: ۱۵) که این موضوع زمینه عهد خدا با او شد (دوم سموئیل: ۷). بازگشت تابوت عهد که از نظر داود^{علیه السلام} به منزله حضور خدا بود، در مسیحیت به معنای حرکتی بنیادی برای خروج از سیستم جدایی خدا از انسان تلقی شد. اهمیت دیگر تابوت عهد که به مسیحیان عصر نزول مربوط می شد، در این بود که آن را نمادی از صلیب راستین مسیحیان دانسته، اشارات عهد قدیم در مورد آن (به اسارت برده شدن آن و سرنگونی بت‌ها) را پیش‌بینی از حوادث پیش آمده برای صلیب راستین و تسخیر آن توسط ساسانیان می دانستند. این موضوع در بخش‌های بعد مورد اشاره قرار خواهد گرفت (ر.ک: بخش ۴-۲. در همین مقاله).

۲. داستان نبرد داود^{علیه السلام} و جالوت در نگاه آباء مسیحی سریانی

نگاه مسیحیان عصر نزول قرآن به موضوع نبرد داود^{علیه السلام} با جالوت (جلیات) را می توان با جست‌وجو در نوشته‌های آباء کلیسا از دوران متقدم مسیحیت تا عصر نزول قرآن در مورد نبرد دریافت. نتیجه این جست‌وجو، برخی نوشته‌های آباء سریانی را دربر خواهد داشت که به دلیل مجاورت با مردم عرب شبه جزیره از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردارند. / فرایم (۳۷۳م) از قدیمی‌ترین آباء سریانی به نکات تفسیری موضوع نبرد پرداخته است (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۶۷-۳۷۰). در سروده نرسای (Narsai) (۵۰۲م) با عنوان «داود و شاول» (Dauid et saul) (مینگانا، ۱۹۰۵، ج ۱، ص ۷۷۳-۷۹۶) نیز می توان تفسیر سراینده از برگزیدگی شاول برای سلطنت و سپس عزل او و انتخاب داود^{علیه السلام} را دریافت. شرح مفصلی از داستان نبرد، در سروده‌ای از یعقوب سروعی (۵۲۱م) با عنوان «داود و جلیات و راز مسیح» (Dauid et saul et le secret du messie) نیز بیان شده است (بجان، ۱۹۰۶، ص ۲۸-۷۶). با مطالعه این متون و مقایسه آنها با اصل داستان در عهد قدیم و بررسی مواضع اختلاف، می توان ویژگی‌های خاصی را برای روایت مسیحی داستان برشمرد که گویای ابعاد مسیح‌شناختی آن است.

۲-۱. نمادگرایی

/ فرایم در داستان نبرد، آنجا که داود^{علیه السلام} از قدرت خود در از بین بردن گرگ و شیر و نجات بره دزدیده شده سخن می گوید (اول سموئیل: ۱۷: ۳۴-۷)، گرگ را نمادی از شیطان و شیر را نمادی از مرگ دانسته و شکست آنها توسط داود^{علیه السلام} که از نظر او نمادی از مسیح است، را اشاره به رهایی انسان‌ها از وسوسه شیطان و مرگ ابدی (در اثر گناه) تفسیر نموده است (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۶۹). / فرایم به تکبر جلیات، که دلیل شکست او بود، اشاره کرده است (گرافین، ۱۹۸۴، ص ۱۸۸، ۵۹۳) و دیگر آباء سریانی نیز با پیروی از او، جلیات را به شیطان تفسیر کرده‌اند.

به این ترتیب، داود^ع در داستان نبرد، نمادی از مسیح، و جلیات، نمادی از شیطان است (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۶۷؛ بجان، ۱۹۰۶، ص ۳۰، ۳۳ و ۵۱). از نظر آبابی مسیحی، جلیات و قدرت سازوبرگ جنگی او، از آن جهت در داستان عهد قدیم به‌طور مفصل بیان شده است تا خوانندگان شگفتی و ایهت پیروزی داود^ع را که تنها با یک فلاخن و سنگریزه جلیات را از پای درآورد، درک کنند و به نقش و حضور مسیح در آن نبرد پی برند (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۶۷). در تفاسیر مسیحی، صحنه نبرد برخلاف کتاب سموئیل که میان کوه و دره توصیف شده (اول سموئیل ۱۷: ۳)، بیابان تصویر گردیده است (همان؛ بجان، ۱۹۰۶، ص ۴۱) تا داستان نبرد به‌مثابه تصویری از نبرد چهل‌روزه مسیح با شیطان در بیابان (متی: ۴: ۹-۱۱؛ لوقا ۴: ۱-۱۳) معرفی گردد و به این ترتیب، تأخیر چهل‌روزه داود^ع در ورود به صحنه نبرد، به‌عنوان تمثیلی از مبارزه مسیح با شیطان توجیه شود (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۶۷؛ بجان، ۱۹۰۶، ص ۴۰-۴۷؛ ر.ک: موريسون، ۲۰۰۸، ص ۴۸۶). علاوه بر آن، این زمان تأخیر چهل‌روزه، مجالی برای آزمایش سپاه شاول، که نمادی از بنی‌آدم هستند، نیز توصیف شده است (بجان، ۱۹۰۶، ص ۴۱) که این خود اشاره‌ای است به دوران مصیبت آخرالزمان و آزمایش مسیحیان پیش از آمدن دوباره مسیح (موريسون، ۲۰۰۸، ص ۴۸۶). درماندگی و ضعف سپاه شاول موضوعی است که در روایت یعقوب سروعی به‌طور مفصل مورد اشاره قرار گرفته (بجان، ۱۹۰۶، ص ۵۱) و از آن به ضعف و ناتوانی انسان‌ها پیش از ظهور منجی تعبیر شده است. از نظر آبابی مسیحی، جنس انسان به‌تنهایی قادر بر غلبه بر شیطان نخواهد بود و تنها با پیوستن به مسیح و قدرت گرفتن از او می‌تواند به پیروزی بر او نائل شود (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۶۸؛ بجان، ۱۹۰۶، ص ۴۳). در داستان نبرد نیز تنها داود^ع است که پا به عرصه مبارزه با جلیات می‌گذارد و به‌عنوان نمادی از مسیح و با قدرت او، قوم را می‌رهاند (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۶۸؛ بجان، ۱۹۰۶، ص ۴۶). به این ترتیب، با کشته شدن جلیات و سرنگون شدن او، گناهان بشر نیز فرو می‌ریزد و از بین می‌رود (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۷۰). از دیگر موارد در این تفاسیر، مقایسه شاول، پادشاه انتخاب‌شده برای اسرائیلیان از جانب خدا، با آدم ابوالبشر^ع است که هر دو از مقامی که خدا برای آنها تعیین کرده بود، عزل شدند (بجان، ۱۹۰۶، ص ۴۳). در این راستا، بی‌لیاقتی و ضعف شاول (نمادی از آدم) و سپاه او (نمادی از بنی‌اسرائیل) بسیار مورد تأکید بوده است. گرچه در برخی نوشته‌ها به پشیمانی خدا از اعطای مقام پادشاهی به شاول اشاره شده است (همان، ص ۵۶)، اما در برخی دیگر، این امر توجیه شده و هدف از انتصاب شاول، نشان دادن نمونه‌ای از انسان ناشایست و عواقب سوءرفتار او به انسان‌ها در برابر معرفی نمونه عالی چون داود^ع معرفی گردیده است (مینگانا، ۱۹۰۵، ص ۷۷۴).

۲-۲. ذکر جزئیاتی افزون بر داستان عهد قدیم

سروعی داستان را با جزئیات فراوانی افزون بر اصل داستان عهد قدیم بیان کرده است تا تصویر روشن‌تری از فضای مسیحی داستان و آنچه او از بیان داستان در نظر دارد، ارائه شود. از آن جمله، توصیف ظاهر نحیف و متواضع داود^ع است که به نمایندگی از مسیح در مقابل ظاهر مجلل و قدرتمند و متکبر جلیات در میدان حاضر شده است (بجان، ۱۹۰۶، ص ۵۱). در تفسیر مسیحی، آنجا که داود^ع در دفاع از قدرت خدای خود خطاب به جلیات کافر

سخن می‌گوید، به موضوع تابوت عهد - به‌عنوان نمادی از حضور خدا - و سرنگونی بت داجون (ر.ک: اول سموئل: ۵) اشاره کرده است (همان، ص ۶۹)؛ این در حالی است که در خود داستان نبرد در عهد قدیم، اشاره‌ای به اینکه خدای جلیات، داجون باشد یا داود^{علیه السلام} در خطاب به جلیات چنین مطلبی را ذکر کرده باشد، نیست و به این ترتیب، مفسر این واقعه را پیش‌بینی و اشاره‌ای به سرنگونی جلیات توسط داود^{علیه السلام} که نمادی از مسیح است، می‌داند (موریسون، ۲۰۰۸، ص ۴۹۵). از دیگر موارد، اشاره به روح‌القدس و زمزمه‌های او در گوش داود^{علیه السلام} برای از تن درآوردن لباس رزم *شاول* و بدون زره جنگیدن است (بجان، ۱۹۰۶، ص ۶۱-۶۳) که در منابع دیگر نیز به آن اشاره شده است (مینگانا، ۱۹۰۵، ص ۷۷۷). نمونهٔ دیگر، توصیف سنگ‌هایی است که داود^{علیه السلام} برای مبارزه از کنار نهر برمی‌دارد و در کیسهٔ خود می‌گذارد. بکر و تراشیده بودن سنگ‌ها، نشان از خلقت بکر مسیح دارد و کیسه‌ای که سنگ‌ها از آن پرتاب می‌شوند، به بطن مبارک مادر او تفسیر شده‌اند (بجان، ۱۹۰۶، ص ۶۳-۶۴). همچنین گفت‌وگوهایی نیز افزون بر اصل داستان در عهد قدیم به شخصیت‌های داستان و از جمله خدا نسبت داده شده و داود^{علیه السلام} کسی است که پیام‌های خدا را می‌شنود (همان، ص ۱، ۸-۹، ۵۶).

۳-۲. تأکید بر ازلی بودن پادشاهی داود

گرچه در عهد قدیم، داود^{علیه السلام} پس از *شاول* و اثبات بی‌لیاقتی او برای سلطنت به پادشاهی می‌رسد، اما در تفاسیر مسیحی، پادشاهی داود^{علیه السلام} امری ازلی معرفی شده است (مینگانا، ۱۹۰۵، ص ۷۷۹؛ بجان، ۱۹۰۶، ص ۴۲-۴۳). در این تفاسیر آمده است که پادشاهی داود^{علیه السلام} چیز تازه‌ای که پس از نبرد او با جلیات به‌دست آمده باشد، نبود؛ بلکه او از قبل زمانی که به چوپانی گوسفندان پدر می‌پرداخت و کسی او را نمی‌شناخت پادشاه بود (بجان، ۱۹۰۶، ص ۴۲، خط ۲-۳ و ص ۴۳، خط ۴-۵). مفسر با تأکید بر ازلی بودن پادشاهی داود^{علیه السلام}، آن را با الوهیت ازلی عیسی^{علیه السلام} مقایسه می‌کند (همان، ص ۲-۴۱).

۴-۲. القائات مسیح‌شناختی مبارزه

در تفسیر مسیحی، نبرد داود^{علیه السلام} در عهد قدیم، به‌تصویر کشیدن راز مسیح و بشارت ظهور او معرفی شده است. طبق نظر مفسران، شخصیت‌های داستان بدون اینکه خود بدانند، از مسیح و ظهور او برای نجات بشریت حکایت می‌کنند (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۷۰؛ بجان، ۱۹۰۶، ص ۷۶).

۵-۲. تأکید بر قدرت و راز مسیح در نبرد

از نظر مفسران مسیحی، داود^{علیه السلام} قدرت خود در نبرد با جلیات را از مسیح گرفته بود و با چنین قدرتی بود که توانست بدون ابزار جنگی بر او غلبه کند (السمعانی، ۱۷۳۷، ص ۳۶۸؛ بجان، ۱۹۰۶، ص ۲۸-۲۹). در این منابع، پیروزی به «پسر داود»، یعنی مسیح، نسبت داده شده است (بجان، ۱۹۰۶، ص ۴۶). از دیگر موضوعات مورد اشاره، حضور

«راز مسیح» در وقایع است. طبق نظر آباء سیرانی عصر نزول، در وقایع ثبت شده در آیات کتاب مقدس و از جمله داستان داود^{علیه السلام} و جالوت، راز و رمزی است که به مسیح اشاره دارد و باید کشف شود (ر.ک: بجان، ۱۹۰۶، ص ۲۸، ۷۶؛ مینگانا، ۱۹۰۵، ص ۷۷۴، ۷۸۷).

۳. حضرت داود^{علیه السلام} در مسیحیت بیزانسی (روم) عصر نزول

دیدگاه مسیحیان بیزانسی عصر نزول در مورد حضرت داود^{علیه السلام}، بازتابی از مطالب عهدین به همراه تفسیر آباء کلیسا از او و وقایع زندگی اش، از جمله نبرد او با جلیلیات است که به او جنبه آخرالزمانی می دهد. علاوه بر این، برخی وقایع این دوره نیز سبب تأکید بر نقش داود^{علیه السلام} در گفتمان آن دوره شده بود.

۳-۱. حضرت داود^{علیه السلام} و عقاید آخرالزمانی در بیزانس

با تخریب معبد یهودیان در اورشلیم در سال ۷۰ میلادی و تسخیر آن به وسیله مسیحیان و تلقی از آن به عنوان تحقق پیش بینی عیسی^{علیه السلام} در عهد جدید (متی: ۱۲۴: ۲)، مسیحیان به این باور رسیدند که قوم برگزیده خداوند پس از به مسیحیت گرویدن کنستانتین (۲۷۲-۳۳۷ م) امپراتور روم شرقی، و قبول مسیحیت به عنوان دین رسمی این سرزمین، نگرشی دینی به امپراتوران روم شرقی ایجاد شد. بیزانتیوم، مرکز این امپراتوری، به کنستانتینوپل یا قسطنطنیه تغییر نام داد و به عنوان اورشلیم تازه مسیحیان معرفی شد (داگرون، ۲۰۰۳، ص ۳). امپراتوری روم در واقع الگوی زمینی تصویری از سلطنت الهی تلقی شد که مسئولیت رستگاری مردم را به عهده داشت (همان، ص ۲). در این دوره، کتب عهد عتیق از اهمیت بیشتری نسبت به قبل برخوردار شده بودند. امپراتوران روم از نوعی موقعیت دینی که برگرفته از مسئولیت شخصیت هایی از عهد عتیق، همچون شاول، داود^{علیه السلام} و سلیمان^{علیه السلام} بود، برخوردار شدند و به این ترتیب به مقام پادشاهی - دینی رسیدند (همان، ص ۴). این موضوع، به خصوص در عصر نزول قرآن و در زمان امپراتوری هرکلیوس (وفات ۶۴۱ م) یا هرقل، امپراتور بیزانس - که در سال ۶۱۰ م مقارن با بعثت پیامبر^{صلی الله علیه و آله} به پادشاهی رسید - بسیار مورد تأکید قرار می گرفت و بخشی از آن مربوط به جنگ های امپراتوری روم و ساسانی بود. در سال ۶۱۴ م، یعنی مقارن با سال های اول ظهور اسلام، اورشلیم به اشغال ساسانیان درآمد و از زیر سلطه مسیحیان رها شد و یهودیان که همواره در انتظار فرصتی برای ساخت معبد سوم به عنوان پیش زمینه ای برای ظهور منجی خود بوده و در این امر به یاری سپاه ساسانی برآمده بودند، با وعده ساسانیان مبنی بر اجازه بازسازی معبد اورشلیم، خشنود شدند و آن را علامتی آخرالزمانی تلقی کردند (سیوان، ۲۰۰۰، ص ۲۸۶). در نوشته های آپوکریفایی منتسب به مکاشفه زروبابل - که منسوب به نویسنده ای است که در اوایل قرن هفتم و پس از تسخیر اورشلیم توسط ساسانیان آن را نوشته است - نیز می توان چنین عقایدی را دریافت. در این متن، ویژگی هایی برای آخرالزمان برشمرده شده است که همگی با وقایع مربوط به اورشلیم در آن زمان تطبیق دارد (دان، ۲۰۰۷، ص ۵۱۷-۵۱۸). در اشعاری که از آن دوره برجای مانده است نیز می توان وجود چنین اندیشه های آخرالزمانی را در آن برهه از تاریخ

مشاهده نمود. در این اشعار، از حکومت بیزانس به عنوان اوم و از فارس‌ها به عنوان آشورهای عهد قدیم یاد شده است. یهودیان تصور می‌کردند که وقایع پیش آمده برای آنها تعبیر پیش‌بینی‌های برخی انبیا از حوادث آخرالزمان است (پیرس، ۲۰۰۷، ص ۲۸۷-۲۸۹). مسیحیان نیز که خود را قوم محبوب خدا می‌دانستند، چاره را در آن دیدند که ناگواری‌ها و شاداید آن دوره را به دوران سخت آزمایش پیش از دوره آخرالزمانی و سلطنت هزارساله تفسیر کنند (اولتسر، ۱۹۹۴، ص ۷). پس از به پیروزی رسیدن هرکلیوس در بازپس گرفتن سرزمین‌های خود از امپراتوری ساسانی (سال دوم هجری)، این تلقی‌ها به اوج خود رسید و مسیحیان که خود را پیروز میدان می‌دیدند، آن را علامتی آخرالزمانی تصور کردند و حکومت هرکلیوس را حکومت منجی پیش از ظهور دوباره مسیح تلقی نمودند. در این زمان، مقایسه با داود^{علیه السلام} به عنوان یک پادشاه آخرالزمانی، که الگویی از یک پادشاه عادل برای سنجش و شناخت پادشاه موعود اسرائیل بود (هلپرن، ۲۰۰۷، ص ۴۴۶؛ سیتز، ۱۹۸۷، ص ۲۲۲)، گفتمان رایج روز شده بود. تجلی این موضوع را می‌توان در بسیاری از متون تاریخی به‌جای‌مانده از بزرگان کلیسای بیزانس این دوره دریافت. همچنین بر روی بشقاب‌های نقره به‌جای‌مانده از دوره هرکلیوس، می‌توان نقوشی از صحنه‌های مختلف زندگی داود^{علیه السلام} و از جمله نبرد او با جالوت را مشاهده کرد (اسپین الکساندر، ۱۹۷۷، ص ۲۱۸-۲۱۹).

جورج پیسیدیا (George of Pisidia) (۵۸۰-۶۳۴م)، شاعر و کشیش مدیحه‌سرای هرکلیوس، در بازگشت از جنگ روم با ساسانی و در سالگرد آزادسازی برخی شهرها در سال ۶۲۲-۶۲۳م، در مدیحه‌ای به این مناسبت، به جنگ جنبه دینی می‌دهد و هرکلیوس را حاکمی الهی معرفی می‌کند (همان، ص ۲۲۱). تئودور سینکلوس (Theodore the Syncellus) از اعضای مهم کلیسای روم شرقی، در سخنرانی خود در سالگرد شکستن حصر قسطنطنیه در سال ۶۲۷ میلادی، طوری صحبت کرده است که گویی هرکلیوس، داود^{علیه السلام} و فرزند او همان سلیمان^{علیه السلام} است. علاوه بر این، او وقایع حادث شده برای قسطنطنیه و ویرانی آن را تحقق وعده‌های پیامبران عهد قدیم در نابودی اورشلیم پیش از ظهور منجی می‌داند و به عبارتی قسطنطنیه را همان اورشلیم جدید عهد قدیم معرفی می‌کند (پیرس، ۲۰۰۷، پاراگراف ۵۲). متن سخنرانی او آکنده از اشارات به پیش‌بینی‌های انبیای عهد قدیم (اشعیا: ۷-۲۰، ارمیا: ۳۹، حزقیال: ۳۸-۳۹) و همچنین بیانات داود^{علیه السلام} در مزامیر در مورد آخرالزمان است که تئودور آن را به آغاز هزاره سلطنت با امپراتوری هرکلیوس تفسیر می‌کند. او سخنرانی خود را با سخنی از اشعیا نبی^{علیه السلام} (اشعیا: ۷) از جانب خدا پایان می‌دهد که در آن خدا وعده حفظ و محافظت از اورشلیم (که در نظر او همان قسطنطنیه بود) را به‌خاطر بنده خود داود^{علیه السلام} داده است و به این ترتیب، هرکلیوس را با داود^{علیه السلام} همانند می‌کند (همان). نمونه دیگر، سخنرانی خود هرکلیوس در حضور مردم قسطنطنیه در سال ۶۲۸ م پس از شکست ساسانیان است. طرز اشاره او به جنگ با ساسانیان و استفاده او از الفاظ عهد قدیمی که داود به کار برده بود، سبب می‌شد تا چنین تلقی شود که این جنگ همانند جنگ داود^{علیه السلام} و جلیات بوده و هرکلیوس همان منجی مردم از کفر است (اسپین الکساندر، ۱۹۷۷، ص ۲۲۲). در چنین عصری بود که کاربرد لقب «داود جدید» ('New David')

برای هرکلیوس رونق گرفت (اسپین الکساندر، ۲۰۰۷، ص ۲۲۲-۲۲۳). چنین اشاره‌ای به داود علیه السلام در نوشته‌ها مشهود است (پیرس، ۲۰۰۷، پاراگراف ۵۲).

۳-۲. حضرت داود علیه السلام و بازگرداندن تابوت عهد

مطلب بااهمیت دیگر در گفتمان مسیحیت بیزانسی عصر نزول، موضوع تابوت عهد است که صلیب راستین مسیحیان با آن مقایسه می‌شد. این صلیب در جریان اشغال اورشلیم توسط ساسانیان در سال ۶۱۴ م، به دست سپاه ساسانی افتاد. سال‌ها بعد، زمانی که ساسانیان شکست خوردند و صلیب راستین را پس فرستادند، چنین تصور شد که صلیب راستین با تابوت عهد قابل مقایسه است که این‌گونه سبب شکست ساسانیان و بازپس فرستاده شدن آن شده است (ر.ک: ۲-۵ در همین مقاله). *آنتوخیوس استراتوگوس* (Antiochus Strategos) در نوشته خود، به نابودی کافران به دلیل به یغما بردن صلیب راستین اشاره کرده است و آن را با شکست فلسطینیان و نابودی بت‌های آنان در زمانی که تابوت عهد را با خود به فلسطین برده بودند، مقایسه می‌کند (کونیبر، ۱۹۱۰، ص ۵۱۶). در این نوشته، طرز نگاه نویسنده به هرکلیوس به عنوان نمود و جلوه‌ای از داود علیه السلام آشکار است. اینکه هرکلیوس خود، صلیب راستین را به اورشلیم برده و در محل اصلی آن نصب نمود، مطالبی است که در نگاه مسیحیان آن دوره اشاره به داود علیه السلام و بازگرداندن تابوت عهد داشت. جورج پیسیدیا نیز در شعر خود در مدح هرکلیوس چنین تفسیری را از صلیب راستین و بازگرداندن آن به اورشلیم و شکست ایرانیان دارد (اسپین الکساندر، ۱۹۷۷، ص ۲۲۴-۲۲۵).

۴. نبرد حضرت داود علیه السلام و جالوت از دیدگاه قرآن

موضوع نبرد حضرت داود علیه السلام با جالوت به فرماندهی طالوت در قرآن (بقره: ۲۴۶-۲۵۲) در سیاق آیات مربوط به دعوت مؤمنان به قتال و جهاد در راه خدا (بقره: ۲۴۴-۲۴۵) در سوره بقره، اولین سوره مدنی (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۵۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۲)، به‌طور موجز ذکر شده است. بر اساس شواهدی می‌توان زمان نزول آیات پایانی سوره بقره را رمضان سال دوم هجری، یعنی هم‌زمان با غزوه بدر، تخمین زد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۸-۴۰)؛ از جمله اینکه سیاق سوره انفال، دومین سوره مدنی (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۵۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۳)، حاکی از نزول آن اندکی پس از غزوه بدر است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۵) و اشاره آیات ۲۱۷ و ۲۱۸ سوره بقره به سربۀ عبدالله جحش، که دو ماه پیش از غزوه بدر انجام گرفته است (واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۰)، نیز دلیلی بر این مدعاست. بنابراین، آیات مربوط به داستان نبرد در حدود زمان غزوه بدر نازل شده‌اند. در سرزمین‌های مجاور عربستان، این زمان مقارن با پیروزی‌های هرکلیوس در بازپس گرفتن سرزمین‌های خود از ساسانیان و شهرت او به لقب «داود جدید» بود؛ پیروزی‌ای که تحقق از پیروزی داود علیه السلام بر جلیات در عهد قدیم تصور می‌شد و اشاراتی آخرالزمانی داشت (ر.ک: عنوان ۴-۱. در همین مقاله). می‌توان انتظار داشت که خبر این پیروزی و گفتمان مربوط به آن به جامعه عربستان عصر نزول نیز راه یافته باشد. آیات ابتدایی از سوره مبارکه روم

بهترین دلیل بر این مدعاست. این آیات در اواخر دوران مکی (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۵۷) نازل شدند و به موضوع شکست رومیان و وعده پیروزی آینده آنها می‌پردازند (روم: ۱-۲)؛ همان وعده‌ای که در سال دوم هجری محقق شد. موضوع دیگری که ارتباط مسلمانان با رومیان را نشان می‌دهد، گزارشی است از نامه پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} به هرکلیوس (هرقلی) برای دعوت او به اسلام (ابن خلدون، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۶۶)، که گرچه به سال ششم هجری نسبت داده شده است (همان)، اما نشان از این ارتباط دارد.

داستان نبرد در قرآن با عبارت «ألم تر» در اشاره به موضوعی عجیب، خطاب به پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} آغاز می‌گردد و نشان از آن دارد که به امری عجیب اشاره شده که پیامبر به آن علم داشته است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲، ص ۲۷۹). این امر، پیروزی عده کم مؤمنان بر سپاه عظیم کفر است. با اینکه جمع کثیری (ملاً) از بنی اسرائیل خواهان جنگ در راه خدا در رکاب پادشاهی بودند که خدا برای آنها تعیین می‌کند (طالوت)، اما در نهایت جز عده کمی همگی از آن روی برگرداندند: «... فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلاً مِّنْهُمْ...» (بقره: ۲۴۶)؛ اما خدا با همین عده کم، پیروزی را نصیب مؤمنان کرد. قرآن اشاره واضحی به زمان و مکان داستان ندارد؛ اما اشاره به «من بعد موسی» و همچنین اینکه بنی اسرائیل هنوز پادشاهی نداشته‌اند، آن را نظیر ماجرای ذکر شده در عهد قدیم (اول سموئل: ۸-۱۰؛ ۱۷) قرار می‌دهد. به این ترتیب، نبی ذکر شده در قرآن می‌تواند سموئل نبی، و طالوت پادشاهی نظیر شاول عهد قدیم باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۱۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲، ص ۲۹۶). در ادامه، اجزای داستان قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴. برگزیدگی و اصطفا‌ی طالوت

در قرآن، طالوت پادشاه برگزیده خداست که به او علم زیاد و جسم نیرومند، به‌عنوان دو عامل ضروری برای حکومت، داده شده است: «... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ سَبْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَّن يَشَاءُ...» (بقره: ۲۴۷) و اشاره‌ای به سستی و سرپیچی او از فرمان خدا و عدم صلاحیت او، آن گونه که در نظر یهودیان و مسیحیان عصر نزول بود، دیده نمی‌شود. بی‌لیاقتی شاول، که در تفاسیر مسیحی با آدم ابوالبشر و ناتوانی او در برخورد با شیطان و دوری از گناه مقایسه شده بود، در نگاه آخرالزمانی به داستان به‌کار گرفته می‌شد. همچنین این امر سبب می‌شد تا فوکاس (۶۱۰ م)، پادشاه نالایق پیش از هرکلیوس، با شاول مقایسه شود و حکومت هرکلیوس که همچون داود^{علیه السلام}، خارج از روال عادی موروثی به او رسیده بود، به‌عنوان حکومتی داودی و در نتیجه آخرالزمانی تلقی شود (ر.ک: اسپین الکساندر، ۱۹۷۷، ص ۲۱۸).

۲-۴. پیوند موضوع بازگشت تابوت عهد با طالوت

در قرآن برای تحکیم حکومت طالوت و اثبات حقانیت آن، به نشانه‌ای (آیه) اشاره شده و آن، بازگشت تابوت عهد است (بقره: ۲۴۸) که از نظر بنی اسرائیل، کرسی و محل حضور خدا بود. این که تابوت عهد توسط ملائکه و

نه فردی از افراد بشر حمل شود، نشانه‌ای برای الهی بودن حکومت طالوت اعلام شده است. در مورد «تحمله الملائکه»، علامه طباطبائی مطلب خاصی را بیان نکرده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۹۱). در برخی تفاسیر به اقوالی اشاره شده است؛ مثل اینکه تابوت را ملائکه بین آسمان و زمین حمل می‌نمودند یا از آن حفاظت می‌کردند؛ و در برخی به موضوعی شبیه به داستان بازگشت تابوت عهد در عهد قدیم (اول سموئیل: ۶ و ۷) اشاره شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۱۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶ ص ۵۰۶). بنابراین در بیان قرآن، به ارتباط تابوت عهد با حضرت داود علیه السلام هیچ اشاره‌ای نشده؛ بلکه به‌جای آن، موضوع تابوت عهد با طالوت گره خورده است. علاوه بر آن، بازگشت آن توسط ملائکه نشانه‌ای برای حکومتی الهی معرفی شده است، نه بازگرداندن آن که در عهد قدیم به داود علیه السلام نسبت داده شده بود و برای مسیحیان اهمیت بسیار یافته بود. این مواجهه قرآن در راستای اصلاح نگاه و پندار جامعه در رفع نقش آخرالزمانی داود علیه السلام و همچنین کم‌رنگ کردن رابطه میان هرکلیوس با او و موضوعات آخرالزمانی بود.

۳-۴. آزمایش سپاهیان طالوت پیش از نبرد با جالوت

در قرآن، افراد انبوه سپاه طالوت با خوردن آب از نهر، از سوی خدا مورد امتحان قرار گرفتند: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ...» (بقره: ۲۴۹). در این آزمایش، افراد سه دسته شدند: عده‌ای که تشنگی را تحمل نکردند و از آب نهر نوشیدند و از سپاه طالوت خارج شدند: «... فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي...»، که اکثریت را تشکیل می‌دادند: «... فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ...»؛ عده‌ای که از آب حتی به قدر مستی برنگرفتند و آن را نچشیدند: «... وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي...»، که اینان از طالوت به‌حساب آمدند و مخلصان سپاه او شدند؛ و در نهایت، عده‌ای بودند که تنها مستی از آب برگرفتند و چشیدند: «... إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ...»؛ این گروه، نه از دسته اول و نه از دسته دوم بودند؛ بلکه افراد دودلی بودند که اخلاص و ایمانشان باید در مرحله‌ای دیگر مورد سنجش قرار می‌گرفت و آن، همان میدان مبارزه با جالوت قدرتمند بود (طباطبائی، ج ۲، ص ۲۹۲-۳). هنگام رویارویی با جالوت و سپاه او، اینها همان گروهی بودند که در میدان مردد شدند و جالوت و سپاه او را قدرتمندتر از آن دیدند که بتوانند بر آن غلبه کنند: «فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا تِلْكَ طَائِفَةٌ لَّنَا الَّتِي هَمَّتْ بِحَالُوتِ وَ جُنُودِهِ...»؛ درحالی که مخلصان سپاه که به ملاقات با خدا پس از کشته شدن یقین داشتند، پیروزی عده‌ای کم بر سپاه قدرتمند را به اذن خدا و صبر در راه او ممکن می‌دیدند: «... قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوُا إِلَى اللَّهِ كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» و در نهایت هنگام نبرد، از خدا طلب صبر و استواری و نصرت کردند: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۵۰) و سپاه جالوت را منهدم کردند و داود علیه السلام کسی بود که جالوت را به هلاکت رساند: «... فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ...» (بقره: ۲۵۱).

چنین آزمایشی برای یهودیان و مسیحیان عصر نزول موضوعی آشنا بود و مفهومی را می‌رساند. در کتاب داوران (باب ۷)، سربازان فراوان جدعون نبی^{علیه السلام} از داوران پیش از سموئیل نبی^{علیه السلام}، به دستور خدا پیش از عزیمت برای نبرد با دشمن، با خوردن آب از نهر آزمایش می‌شوند تا افراد صالح از غیر آن جدا شوند و از تعداد لشکریان کاسته شود. خدا بر پیروزی آنان اراده کرده بود و نمی‌خواست تا با افزونی تعداد سربازان، آنان گمان کنند که پیروزی به قدرت آنها حاصل شده است؛ بلکه می‌خواست بدانند که پیروزی تنها با یاری خدا به‌دست آمده است. در این آزمایش، آنان که به زانو خم شدند و از آب نهر نوشیدند، به‌دستور خدا از سپاه خارج شدند و تنها آنان که کف دستی از آب برداشتند و آن را با زبان نوشیدند، باقی ماندند و عازم نبرد شدند که تعداد آنها سیصد نفر ذکر شده است (همان). در مسیحیت، از این آزمایش تعبیری در راستای مسیح‌شناختی شده بود و ثبات قدم و استواری پویندگان راه عیسی^{علیه السلام} را نشان می‌داد (اوريجن، ۲۰۱۰، ص ۱۱۶-۱۱۷).

بنابراین، آیات مربوط به آزمایش سپاه طالوت که در قرآن ذکر شده است، علاوه بر اینکه در سیاق دعوت مسلمانان به جهاد در راه خدا نازل شده بود و نشان‌دهنده ایمان و خلوص سربازان طالوت و توکل آنها بر خدا و در نهایت پیروزی آنها با نصرت خدا بود، در صدد اصلاح نگاه مسیحیان به داستان نبرد داود^{علیه السلام} نیز برآمده بود. سپاه طالوت (شاول) که در مسیحیت به ضعف و ناتوانی منسوب شده بود و نشان از جمع نابسامان بنی‌اسرائیل پیش از ظهور مسیح داشت، در نگاه قرآن، تمثالی از ایمان و توکل و صبر در راه خدا شده بود.

۴-۴. انهدام سپاه جالوت و کشفه شدن او

در داستان قرآن، طالوت و سپاه مؤمن او هستند که محور اصلی داستان نبرد معرفی می‌شوند و داود^{علیه السلام} در زمره سربازان این سپاه قرار دارد. پیروزی توسط گروهی از سربازان حاصل شده است، نه فقط داود^{علیه السلام}؛ هرچند در نهایت، جالوت توسط داود^{علیه السلام} کشته می‌شود: «فَهَرَّ مُوْهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ...». به عبارت دیگر، کشته شدن جالوت توسط داود^{علیه السلام} تنها یکی از علل شکست سپاه جالوت بود، نه تنها عامل آن (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۷۰۵). این موضوع برخلاف آن چیزی است که در عهد قدیم در مورد بی‌لیاقتی شاول و سپاه او ذکر گردیده و بر حضور داود^{علیه السلام} به‌عنوان تنها داوطلب مبارزه تأکید شده است و سپس در نگاه مسیحیان عصر نزول اشارات مسیح‌شناختی و آخرالزمانی پیدا کرده و از او به‌عنوان نمادی از مسیح و از نبرد او به‌منزله نبرد مسیح با شیطان یاد شده است.

۴-۵. صحنه نبرد حضرت داود^{علیه السلام} با جالوت

داستان نبرد حضرت داود^{علیه السلام} با جالوت و از بین بردن او در قرآن، بسیار مختصر و تنها در چند کلمه بیان شده است: «... وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ...». این در حالی است که در روایات به جزئیات بیشتری اشاره شده است؛ مثل اینکه نبی زمان داود^{علیه السلام} می‌دانست که جالوت به دست کسی کشته خواهد شد که پیراهن موسی^{علیه السلام} بر قامتش اندازه باشد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۱-۸۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۵۷۰) یا جزئیاتی شبیه به آنچه در کتاب سموئیل آمده

است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۵). موجزگویی قرآن و عدم اشاره به چگونگی کشته شدن جالوت، در مقابل آن همه طمطراق در تفاسیر مسیحی، در جهت رد و کمرنگ نمودن دیدگاه مسیحیان نسبت به داستان است که تفسیری مسیح‌شناختی از جزئیات ظاهر داود^{علیه السلام} و جلیات و گفت‌وگوهای میان آن دو داشتند که در بخش‌های قبل به آن اشاره شد.

۴-۶. اعطای مقام پادشاهی، علم و حکمت به حضرت داود^{علیه السلام}

در قرآن، خدا به حضرت داود^{علیه السلام} پس از مجاهده در راه خدا و کشتن جالوت، مُلک (پادشاهی)، حکمت (نبوت) و علم بخشیده است (بقره: ۲۵۱). از ظاهر آیه چنین برمی‌آید که داود^{علیه السلام} در این زمان هنوز به مقام نبوت نرسیده بود؛ چراکه تحت فرماندهی طالوت قرار داشت (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱۱، ص ۷۰۵). هرچند این احتمال هست که نبوت داود^{علیه السلام} مرهون فداکاری او در این نبرد نابرابر باشد، اما تصریح قرآن را بر این موضوع نمی‌توان یافت (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱۱، ص ۶-۷۰۵). اما آنچه از آیات برمی‌آید، این است که قرآن، نبوت و پادشاهی داود^{علیه السلام} را امری ازلی یا در رابطه با نبوت حضرت عیسی^{علیه السلام} نمی‌داند. رسالت داود^{علیه السلام} در کنار رسالت پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و عیسی^{علیه السلام} مورد اشاره قرار گرفته است (نساء: ۱۶۳-۱۶۴؛ انعام: ۸۳-۸۸؛ بقره: ۲۵۳). این در حالی است که در نظر مسیحیان عصر نزول، نبوت داود^{علیه السلام} در راستای مأموریت مسیح معنا می‌یافت و پادشاهی ازلی داود^{علیه السلام} نشان از الوهیت ازلی مسیح داشت.

۴-۷. مبارزه با فساد

در داستان قرآن، مبارزه با جالوت و سپاه او در سیاق جهاد در راه خدا و در راستای دفع فساد بیان شده است که اصلی فطری بوده (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵-۲۹۴) و فضلی از جانب پروردگار است: «وَوَلَّوْا لَدَفْعِ اللّٰهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْاَرْضُ و لٰكِن اللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَلٰی الْعٰلَمِیْنَ» (بقره: ۲۵۱). به این ترتیب، سیر داستان قرآنی نبرد به گونه‌ای است که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را نمادی برای ظهور مسیح تلقی کرد. این برخلاف نگاه مسیحیان عصر نزول است که از نبرد داود^{علیه السلام} تلقیات مسیح‌شناختی داشتند.

۴-۸. اذن خدا به جای قدرت مسیح

در داستان قرآن، پیروزی لشکریان خدا بر سپاه کفر به اذن خدا، یعنی امر (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۲۰) یا نصرت او (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶ ص ۵۱۵) تحقق یافته است. در مقابل، در نگاه مسیحیان، داود^{علیه السلام} قدرت خود را از مسیح^{علیه السلام} گرفته بود و در نهایت، در واقع این مسیح^{علیه السلام} بود که به وسیله داود^{علیه السلام} بر جلیات غلبه کرد. قرآن ضمن بیان داستان در جهت رفع این نگاه، بر عاملی همچون «اذن خدا» در این پیروزی تأکید دارد. در قرآن، مسیح نیز قدرت خود را از خدا گرفته و به خواست او معجزه می‌نماید (آل عمران: ۴۹؛ مائده: ۱۱۰).

۹-۴. «آیات الله» به جای «راز مسیح»

در قرآن، خدا پس از ذکر این داستان، مانند اشاره به بسیاری از سرگذشت‌های اقوام در قرآن، آن را نشانه‌ای از پروردگار اعلام کرده است: «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ...» (بقره: ۲۵۲). این در حالی است که در نگاه مسیحیان عصر نزول، در متن داستان نبرد داود^{علیه السلام} با جلیات در عهد قدیم، «راز مسیح» نهفته بود (ر.ک: عنوان ۳-۵ در همین مقاله). ملاحظه می‌شود که قرآن در ضمن جلب توجه مخاطبان مؤمن خود به شگفتی‌های داستان انبیا و پندگیری از آن، به مقابله با دیدگاه مسیحیان آن دوره نیز پرداخته است.

نتیجه‌گیری

تفاوت‌های داستان نبرد در قرآن با روایت یهودی و مسیحی آن، در جاهایی است که در نگاه مسیحیان القائات مسیح‌شناختی و آخرالزمانی داشت و به‌خصوص در جهت منافع حاکمان وقت بیزاسی به کار گرفته و سبب القائات آخرالزمانی شده بود. داستان نبرد در قرآن، گرچه مستقل از داستان عهد قدیم و در سیاق دعوت مؤمنان به جهاد در راه خدا آمده، اما به‌گونه‌ای بیان شده است تا علاوه بر ایفای نقش هدایتی خود برای مسلمانان، به مواجهه با دیدگاه‌های رایج میان مسیحیان آن دوره، که به داستان نگاهی آخرالزمانی داشتند، بپردازد. این مواجهه در قالب حذف و اصلاح برخی اجزای داستان و اشاره به ابعاد نادیده‌گرفته‌شده آن انجام گرفته است:

- داستان قرآن عاری از جزئیاتی در مورد صحنه نبرد، ویژگی‌های ظاهری داود^{علیه السلام} و جالوت و گفت‌وگوهای میان آن دو و دیگر اجزایی است که در خدمت القائات مسیح‌شناختی درآمده بودند.
- شخصیت ممدوح طالوت و بازگشت تابوت عهد، ایمان سپاهیان طالوت، نفی پادشاهی ازلی داود^{علیه السلام} اشاره به اصل فطری دفع فساد و همچنین اشارات «آیات الله» در داستان نبرد به جای «راز مسیح»، اجزایی از داستان بودند که به اصلاح دیدگاه رایج میان مسیحیان آن دوره می‌پرداختند.
- اشاره قرآن به آزمایش‌شده بودن سربازانی که در نهایت رودرروی سپاه جالوت قرار گرفتند، موضوعی بود که با رفع اتهام سستی و پریشانی از سربازان سپاه طالوت، خط بطلان بر نگاه آخرالزمانی به موضوع نبرد می‌کشید.

- Onqelus Targum of OT. In: cal.huc.edu/ کتاب مقدس، فارسی (ترجمه قدیم)، تارگوم انکلوس کتاب مقدس در: /cal.huc.edu/
- ابن سعد، محمد، ۱۴۱۰ق، *الطبقات الكبرى*، تحقیق محمد عبدالقاهر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- جفری، آرتور، ۱۳۷۲، *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدرهای، تهران، طوس.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، *تسنیم*، ج ۲، تهران، اسراء.
- _____، ۱۳۹۷، *تسنیم*، ج ۱، تهران، اسراء.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۳۱ق، *الاتقان فی علوم القرآن*، چ دوم، بیروت، دارالکتب العربی.
- طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمدبن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، عاملی، تصحیح احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- علی، جوادی، ۱۹۷۰، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دار العلم للملایین.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، *التفسیر (تفسیر العیاشی)*، تحقیق هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمدحسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر القمی*، تحقیق موسوی جزایری، چ سوم، قم، دارالکتاب.
- کدکنی، هاشم و محمد فاکر میبیدی، ۱۳۹۷، «بررسی تطبیقی انتخاب طالوت به‌عنوان پادشاه بنی‌اسرائیل در تفسیر قرآن و عهد عتیق»، *مطالعات تفسیری*، ش ۳۳، ص ۱۶۱-۱۷۸.
- محمدیان، بهرام، ۱۳۸۰، *دایرةالمعارف کتاب مقدس*، ترجمه بهرام محمدیان و دیگران، تهران، روزنو.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۷، *تاریخ قرآن*، چ دهم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱ق، *اسباب نزول القرآن (واحدی)*، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- همتی گلیان، عبدالله، ۱۳۹۱، «مسیحیت در حجاز و غرب جزیره‌العرب مقارن ظهور اسلام»، *پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی*، س ۴۵، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۴۴.
- نعمتی پیرعلی، دل‌آرا، ۱۳۹۷، «بررسی تطبیقی داستان طالوت در قرآن و عهد عتیق»، *معرفت ادیان*، ش ۳۷، ص ۷-۲۴.
- Assemani, Giuseppe Simone, 1737, "Tu en hagiois patros hēmon Ephraim tu Syru ta heuriskomena panta / opera et studio Josephi Assemani", rome, Vatican.
- Bedjan, Paulus, 1906, *Homiliae selectae Mar-Jacobi Sarugensis*, v. 2, Paris, Otto Harrassowitz.
- Brock, Sebastian P., 2006, "*Memra*": *Brill's New Pauly*, (English ed.): Salazar, Christine F., Online Edition.

- Conybeare, Fredrick C., 1910, "Antiochus Strategos' Account of the Sack of Jerusalem in A.D. 614", *The English Historical Review*, England, Oxford, 25, 99, pp. 502–517.
- Dagron, Gilbert, 2003, *Emperor and Priest*, The Imperial Office in Byzantium, Birrel, Jean (translator), Cambridge university press, UK.
- Dan, Joseph, 2007, 'Zerubbabel, Book of', *Encyclopedia Judaica*, Skolnik, Fred(ed.), Thomson Gale, United States, v. 21, p. 517-8.
- Flusser, David, 2007, 'DAVID', *Encyclopedia Judaica*, Skolnik, Fred(ed.), Thomson Gale, United States, v. 5, p. 454.
- Ginsberg, Harold Louis, 2007, 'MESSIAH' *Encyclopedia Judaica*, Skolnik, Fred(ed.), United States, Thomson Gale, v. 14, pp. 110- 111.
- Graffine, Accurante R., 1984, *Patrologia Syriaca: SS. Patrum*, Doctorum scriptorumque catholicorum, Pars prima, paris.
- Halpern, Baruch, 2007, 'DAVID', *Encyclopedia Judaica*, Skolnik, Fred(ed.), United States, Thomson Gale, v. 5, pp. 444- 451.
- Hoyland, Robert, 2008, "Epigraphy and Linguistic Background to the Quran", in: *Reynolds*, Gabriel Said (Ed.), *The Quran in its historical Context*, New York, Routledge, pp. 51-69.
- Kollamparampil, Thomas, 2010, *Gorgias dissertations in early Christian studies 49: Salvation in Christ According to Jacob of Serugh*, Piscataway, Gorgias Press.
- Mingana, A., 1905, *Narsai Doctoris Syri Homiliae*, 2 volumes, Fraternity of Preachers, Mosul.
- Miura, Yuzuru, 2007, *David in Luke-Acts: His Portrayal in the Light of Early Judaism*, Germany, Mohr Siebeck.
- Morrison, Craig E., 2008, "David's Opening speech (1 Sam 17:34-37a) according to Jacob of Serugh", in: *Malphono w-Rabo d-Malphono-Studies in Honor of Sebastian P. Brock*, Kiraz, George (ed.), united states, Gorgias Press, pp. 477-496.
- Olster, David M., 1994, *Roman Defeat, Christian Response*, and the Literary Construction of the Jew, Philadelphia, University of Pennsylvania Press.
- Origen, 2010, Elizabeth Ann Dively Lauro (translator), *Homilies on Judges / Origen*, Catholic University of America Press, Washington, D.C.

- Pearse, Roger, 2007, "Homily on the siege of Constantinople in 626 AD", available in:
http://www.tertullian.org/fathers/theodore_syncellus_01_homily.htm
- Scahff, philip; Wage, Henry, 1995, *Nicence and post-Nicence fathers, Second Series*, Vol.13, part II:
Gregory the Great, Ephraim Syrus, Aphrahat, Hencrickson publishers, Massachusetts.
- Seters, John Van, 1987, 'DAVID [FIRST EDITION]', *Encyclopedia of Religion Second Edition*,
(Ed.) Jones, Lindsay, 2005, United States, Thomson Gale, v. 4, pp.2221-2224.
- Sivan, Hagith, 2000, "From byzantine to persian Jerusalem", *Jewish perspectives and
Jewish/christian polemics*, Duke, No. 41, pp. 277-306.
- Spain Alexander, Suzanne, 1977, "Heraclius, Byzantine Imperial Ideology and the David
Plates", *Speculum*, 52, 2, pp. 217-237.